



۲۰۱۶/۱۰/۱۳



مصطفی عمرزی

از دهن گنبدیده گی تا شکستن مرز گستاخی (سقازاده گان، هار شده اند!)

پس از چاپ یکی از کتاب هایم (حقیقت خورشید) طبق سنت اهدای فرهنگی، آن را به یکی از بزرگان فرهنگ و ادب ما، تقدیم کردم. جمله ی یادگار این اهدا «فرزانه مرد سیاست و فرهنگ بود»، اما صفت «مرد سیاست» آن در تبسم یک آزاده گی، واکنش شد که: «سیاست اش را نمی پسندم، زیرا بر ما تحمیل شده است.» منظور گوینده، هجو سیاست زده گی جامعه ی افغانی ست که در تنوع بازاری ترین اشکال، در حد بدترین تعاریف علم سیاست سقوط کرده است. حسرت قلم به دستانی که می کوشند از مزیت ظرفیت فکری، طبیعت و ودایع الهی را ادبیات کنند، برای نسلی از ما، که قلم پردازان بحرانییم، به یاس و اندوهی می ماند که باید همواره از عقب عینک سیاه سیاسی در نوبت آن رسید. شاید پا به پای بحران تحمیلی که از 7 ثور آغاز می شود، کمیت کار فرهنگی ما کم نباشد، اما به جرات می توان گفت کیفیت آن در مقایسه به ارثیه تاریخی- فرهنگی، میلان به نفع سیاست ها و ایدئولوژی هایی ست که در پیامد آن ها، دورنمای کار فرهنگی افغانی، استمرار و سماجت بر ارایه ادبیات سیاسی می شود که اگر از سواد نویسنده بهره ببرد، قواره دارد، اما اگر در تنوع اهل جهالت ارایه شود، نباید بسیار ناراحت شد که آن چه به نام تبیین ادبیات سیاسی، وفرت فرهنگی- رسانه یی ما شده است، چرا سخیف، غیر منطقی و رکیک است.

هنوز از مرده پرستی و قبرکشی جنبش سقاوی، کمیت اخبار و فعالیت های فرهنگی ما در انواع قرار دارد و به یاد داریم که چه گونه در جاده ها ریختند و از ریخت چهره های منحوس خود، درس های دیگری گذاشتند تا بدانیم قهرمانان تنظیمی نوع غیر افغانی، حیثیتی فراتر از همان قراء و قصبات خود شان ندارند، رهروان جهالت و نادانی که اکنون پیش کسوتان ستمی در حد سقوط سقاوی را با پکول داران و دستمال گردنانی معرفی می کند که هر کدام اعمالنامه دون بودن آنان در حیای حضور است، پس از برپایی نمایشات سقاوی و سقازاده گی، وارد فاز دیگری از هرج و مرج اجتماعی شده اند که اگر کسی از میان آنان شعور می داشت، مانع می شد در چند قدمی هزاران عدو و عداوتی که آدرس مشخص نمی شناسد، بر آن دشواری هایی ما نیافزایند که اینک هجوم مشکل از اشکال آن است.

پخش تصاویر بی نهایت شرم آور، جاهلانه و مزرورانه ای که نشان می دهد سوراخ نشینان سقاوی پس از حرمان های مقاومت در کوه ها و دشت ها، اینک کورموشانی را مانند، که گشت شبانه می زنند و از قی، مدفوع و گنده گی آنان، ناگزیر باید تشکیلات شاروالی را در حدی بزرگ کنیم که به دور از دسترس تیم گل مرجان، کثافات کسانی را پاک کنند که شبنامه مرداری پخش می کنند.



د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

«ما افغان نیستیم»، مجموعه ای از حُسن نگارش سقاوی به اوزان ستمی، کلکانی و ربانی، در بسیاری از نقاط شهر کابل، کثافت زبانه های دیگری ست که یکی از خود نمی پرسد، چرا برای این طایفه ی جولای، موقع می دهیم و چرا به تره که ای برویم که اگر هر کسی بر اساس سهم امتیاز فرهنگی، تاریخی، انسانی و وجدانی خویش بخواهد، اینان برای سقاوی، دزدی، چور، خیانت و انحصار می خواهند. مگر بهای این بهایم چند است که باید سرنوشت مملکت را در حضور اجنبی با آنان بنویسیم و خوش باشیم که در تمامی مواد آن، نه افغان بمانیم، نه افغانستان بماند و نه از تاریخ ما، خبری باشد. همین که با طیفی از قشر حقیر و بدنام، این کشور و ملک حداقل در 15 سال گذشته، بار کج شد، بس نیست که حالا سرحد گستاخی بشکنند و گروهک خاپین و بحران زده از راه «غیر مستقیم» ارادل و اوباش، به صراطی ژاژ خواهی کنند که معلوم است برای رسیدن به بهشت، از راه دوزخ نمی روند. هنوز جراحی بی شرمانه ترین توهین ها، فحاشی ها، بی ادبی ها و پلید ترین نوع حضور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنان بر دل هر افغان دردمند است که بدون شک معادل آن را با قبول فحش های رکیک، مناسب آن دل خواسته های کنند که وقتی طایفه ی جولای، مدعا می شود فکر می کند سقاوی، خراسانی، پارسی و آریایی، شانی ست که اگر چیزی در حد نجابت برای آن چند کلمه بپذیریم، هرگز زیب کسان نیست که با دو بار حاکمیت نحس، نجس و پلید (کلکانی- ربانی) خودشان و وزن شان را در میزان ارزش های افغانستان، وزن کرده اند و حتی در میان کثافات نیز جای پایین دارند. دهن گنبدیده گی های فرهنگی، رسانه بی و ادبی را تحمل کردیم، زیرا تعهد داده بودیم که در تارترین تکدر تعریف، دیموکراسی در حد وقاحت نیز توجیه می شود، اما برای آن چه اکنون شروع کرده اند، به زودی اجندا و برنامه هایی درست می کنیم که اگر کسی با ادعای خراسانی، آریایی و پارسی برای مان مزیت بخواند و از مدرک 8 ثور، 18 سنبله، کلکانی و ربانی، سود سیاسی در انحصار دولتی ببرد، جواب ما واضح باشد: آن چه می فرماید، به فحش های رکیکی می مانند که نثار دشمنان این کشور می کنیم.

از شاروالی این حاکمیت بی حیثیت می خواهیم- به زودی به سراغ گند سقاوی بروند و با پاک کردن جملات «ما افغان نیستیم»، فرصت نسازند تا با تداعی تاریخ کریه سقازاده گان، حرمتی را که برای ارزش های خودمان در رعایت مصالح، نثار آنان می کنیم بشکنیم و در معامله به مثال، کسی از دوستان، خوب گفته بود: بهتر است در پایان جملات سخیف آنان بنویسیم: بلی، شما... استید!

راه حل و چند پیشنهاد:

- هرچه زودتر حداقل روند تسویه حساب با سقازاده گان از آن ادارات دولتی آغاز شود که در راس آن ها نیستند.
- در جذب افراد نو، پیشینه تنظیمی- سقاوی آنان برای رفع آلوده گی ها، از اصول استخدام ادارات دولتی افغانستان شود.
- قطع روابط اجتماعی با سقازاده گان و تحریم حضور آنان در میادین ملی و رسمی.
- منع داد و ستد با سقازاده گان و نظارت ارگان های امنیتی از شیوه ی کاری و زنده گی آنان.
- دستگیری اوباشان سقاوی که مرتکب ادبیات و قیچ ضد افغانی می شوند.
- اجماع فرهنگی ملی برای پاسخگویی و معامله به مثل در برابر هتاکی ها و گستاخی های ستمی- سقاوی.
- منع فعالیت رسانه بی، فرهنگی و سیاسی- به خصوص اعضای سقاوی و ستمی مانند پدرام.
- دولت با مراجعه به ملت و تبیین خطرات ناشی از زیاده رویی های سقازاده گان، بسیج ملی را اعلام کند و بر تمامی افغانان است تا در تمام ولایات افغانستان با عکس العمل به موقع و حساس در رسوایی، نفی و طرد سقازاده گان بکوشند.

حرکت شرم آور اخیر (نوشتن جملات ما افغان نیستیم در دیوار ها و تعمیرات شهری) هر چند از وقاحت گروهک مدعی فرهنگ بالا، حکایت می کند، اما نباید در حدی قبول شود چنانچه با ترفند هراساندن تکنوکراتان افغان از مساله گسست و آشوب، انحصار، خیانت ها و دزد ها را تداوم بخشیدند. در واقع با گرایش به هرج و مرج عمومی، نه فقط تنفر عامه نسبت به سقازاده گان، در عکس العمل به مثل، اوج می گیرد، بل گروهک انحصار طلب که تا مغز استخوان، با زور و ندانم کاری های جامعه جهانی بر سیستم دولتی تحمیل شده است، با از دست دادن تمامی امتیازات دولتی که بقای آن ها فقط به حضور جامعه جهانی، بسته گی دارد، به زودی با تاراج و چپاول هایی مواجه خواهند شد که از غصب زمین تا اعمار بلندمنزل ها، خانه ها و واحد های مسکونی و تجارتي، در همه جا، حضور ننگین خود را با حیف و میل و پول های دزدی به ثبوت رسانیده اند و بقای این حالت، بسته گی به شعور آنان در قبول واقعیت هایی

د پانوی شمیره: له 2 تر3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

ست که اکنون با بسیج چند ولگرد و قواد، می خواهند جامعه را بی ثبات کنند. در حالی که می دانیم ظرفیت های سقاوی، همانند حاکمیت ملا ربانی، در حفظ بند تنبان خود شان نیز با آن ظرفیت اقلیتی مشکل دارد و درامه هتاکي ها و گستاخی ها، فقط باعث تشویش مردمان چند منطقه کابل می شود، اجازه ندهیم ظرفیت کلی جامعه در حالی که هزار مشکل دارد، با کشیده گی بحران سقازاده گان، در اموری مصرف شود که می دانیم «مصرف مدفوع، همان زمین های ترکاری ست.» سقازاده گان را در حد مصرف پارو، نگه داریم و اجازه ندهیم گند شان را شهری سازند. تصویر جدید از گنده گی های سقاوی:



د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ